

میانجی‌گری الگویی برای رفع تعارضات (روشی مؤثر در تحقق عدالت ترمیمی)

نوع مطالعه: گزارش موردی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۱۸

نویسندگان

لیلی احمدی*

کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه
تهران، استان داری استان البرز شهرستان
کرج

* نویسنده مسئول

چکیده

زمینه: در یک جامعه مطلوب انسانی، برای حل تعارضات و اختلافات و نیز پاسخ‌دهی به نقض هنجارها، استفاده از ابزارهای غیر قضایی از جمله اخلاق و عرف با کرامت انسانی سازگارتر بوده و توسل به آن‌ها از اولویت برخوردار است. میانجی‌گری بین طرفین دعوی (در دعاوی حقوقی و دعاوی کیفری واجد جنبه حق الناسی) و میانجی‌گری بین قاضی و مجرم - یا شفاعت (در امور کیفری حق الهی) دو راه حل غیر قضائی برای حل و فصل دعاوی هستند. بطوری که جوامع مدرن نیز به اهمیت این منبع پی برده و به عنوان ابزاری برای رفع مخاصمات بویژه در حقوق بین الملل و حل اختلاف بین کشورها و دولت‌ها از آن استفاده می‌نمایند. در این مقاله یک نمونه میانجی‌گری با هدف کاهش و رفع تعارضات و گذشت خانواده مقتول به شیوه گزارش مورد شرح داده شده است.

مورد: در پاییز ۱۳۸۲ در یکی از روستاهای غرب کشور منازعه‌ای بین دو پسر عمو که همسایه دیوار به دیوار بودند بوقوع پیوست که این منازعه مقدمه‌ای شد برای کینه توزی و شبهات بعدی. چند صباحی بعد از این حادثه یکی از طرفین دعوی شب هنگام با احتمال وجود سارق در محل اقدام به شلیک چند گلوله که منجر به قتل پسر عموی خود می‌شود، می‌نماید. **روش درمان و حل مشکل:** در این مقاله جزئیات رفع تعارضات و حل مشکل با استفاده از الگوی میانجی‌گری طی چهار مرحله ارجاع پرونده، اقدامات پیش از میانجی‌گری (آماده سازی)، میانجی‌گری و گفت‌وگو و پی‌گیری و تثبیت نتایج حاصله از میانجی‌گری گزارش شده است.

نتیجه‌گیری: هدف از مداخله میانجی حل موضوع مورد اختلاف است که در این مورد خاص نیز خانواده مقتول با دریافت دیه و با آزادی قاتل از زندان و بازگشت به وضعیت پیش از مخاصمه محقق گردید. اگرچه میانجی‌گری در مددکاری اجتماعی اکنون به عنوان یکی از رویکردهای حل مناقشه معرفی و برای آن فرایند و تکنیک‌های ویژه‌ای معرفی شده است، باید در نظر داشت که آشنایی به ویژگی‌های فرهنگی و استفاده از سازوکارهایی که برای حل مناقشه و میانجی‌گری در هر فرهنگی وجود دارد، می‌تواند در موارد میانجی‌گری بسیار تعیین کننده باشد. در مورد گزارش شده در این مقاله آشنایی میانجی با سازوکارهای بومی حل مناقشه در غرب کشور، بخوبی موفق شد ضمن خاتمه فرایند دادرسی، با برگزار کردن مراسم خون صلح و مشارکت دادن افراد محلی نسبت به تثبیت نتایج بدست آمده در فرایند میانجی‌گری اقدام کند.

Mediation an Effective Method for Applying Restorative Justice

Study Type: Case Study
Received: 29 Apr 2014
Accepted: 8 Jun 2014

Keywords

Mediation
Mediator
Restorative
Justice
Criminal Justice

Abstract

Introduction: Mediation is an informal way of settling a dispute without relying on a legal judgment issued by a judge. The parties involved in mediation meet with a neutral third party to reach a mutually agreeable solution that will end a conflict. Parties are not forced to agree to a solution in mediation. Rather, the mediator facilitates communication to help the parties reach a mutual agreement. In this article a case of mediation has been reported.

Case: A conflict between two cousins in a village in west of Iran occurred in autumn of 2003. Some days later one of the cousins was killed by the other.

Intervention: Mediation techniques in four phases of referring, Preparedness, Discussion and Follow up and Sustaining the Results used for conflict resolution between two families.

Conclusion: Conflict resolution between two families and rebuilding their relations were main goals of mediation in this case. Mediation in social work is a very useful method for conflict resolution. It is so important to study the cultural characters of two parties and select and use the local methods of mediation to make the results sustainable. Khoon-Solh, was one of these potentials in west of Iran which the mediator used it successfully.

Authors

Lili Ahmadi*

MSc in Political Science
from University of Tehran

*Corresponding Author

Please cite this
article as follows:

Ahmadi L. Mediation an Effective Method for Applying Restorative Justice.
Quarterly Journal of Social Work. 2014; 3 (1):44-51

مقدمه

به اعتقاد بسیاری از طرفداران عدالت ترمیمی، میانجی‌گری قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین روشی است که امروزه نیز در نقاط مختلف دنیا مورد استفاده قرار گرفته و از جهات مختلف از سایر روش‌ها متمایز است. به یک معنا، می‌توان میانجی‌گری را سنگ بنا و جانیایه عدالت ترمیمی دانست. در روش میانجی‌گری فضایی ایجاد می‌شود که بزه دیده و بزه کار بتوانند به صورت رو در رو، بدون هر گونه فشار و اعمال نظر دستگاه کیفری با یکدیگر گفت و گو نمایند؛ بزه کار از چگونگی وقوع جرم و دلایل و انگیزه‌های خود از ارتکاب آن؛ و بزه دیده از خسارت وارده ناشی از بزه دیدگی و نیازها و خواسته‌های خود سخن گفته و روند سازش و حل و فصل اختلافات را پی‌گیری می‌نمایند. در این بین شخص ثالثی که بی‌طرف و فاقد منافع در ماجرا است «میانجی» (Mediator) جریان گفت و گو را هدایت و مدیریت می‌نماید. بررسی‌ها حاکی از آن است که این روش در مناطقی که زندگی قبیله‌ای دارند، وجود داشته (گم، ۱۹۹۸) و دارد. امروزه با شهری شدن جوامع و روند جهانی شدن و پیچیده شدن روابط اجتماعی، استفاده از میانجی‌گری کمتر به چشم می‌خورد حال آنکه تعمیم این فرایند به نهادهای رسمی و غیررسمی می‌تواند گام مهمی در راستای پیشبرد اهداف عدالت ترمیمی تلقی شود. معنی لغوی واژه «میانجی‌گری» (Mediation) وساطت بین دو یا چند طرف است. از نظر اصطلاحی یکی از شیوه‌های سیاسی- دیپلماتیک حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات است که در آن طرف ثالث که معمولاً یک کشور، یک سازمان بین المللی و یا یک شخصیت معروف بین المللی و یا محلی است، به منظور پایان

دادن و یا کاهش مناقشه بین دو طرف درگیر اعم از دو کشور یا بین دولت مرکزی با گروه‌های مخالف آن و در مقیاس کوچکتر بین افراد مداخله می‌کند و به طور دوستانه موضوعات مورد مذاکره بین آن‌ها را مطرح و راه حل‌هایی با چالش‌های کمتر را دنبال می‌کند. واژه (میانجی‌گری) در دو معنی به کار می‌رود: یکی وساطت بین دو طرف متخاصم به منظور عفو طرف متجاوز به وسیله قربانی یا زیان دیده یا به منظور رفع اختلاف و ایجاد صلح و سازش بین آن دو، دیگری، پایمردی و وساطت نزد حاکم (قاضی) به سود مجرم و گناهکار به منظور عفو بخشش خطای او یا تخفیف در مجازات وی (۲). در فرهنگ و حقوق اسلامی میانجی‌گری در هر دو معنای آن به کار رفته است.

از آنجا که گسترش یک اختلاف یا منازعه بین دو یا چند طرف ممکن است دامن دیگران را نیز بگیرد معمولاً طرف‌های ثالث به منظور جلوگیری از گسترش اختلاف و پیشگیری از ضرر احتمالی برای خود به عنوان میانجی وارد عرصه می‌شوند تا هر چه زودتر آن منازعه و اختلاف پایان یابد.

دقت نظر در سنت‌ها و آیین‌های تاریخی اقوام مختلف، نشان می‌دهد که میانجی‌گری فرایندی نوین از ساز و کارهای دیرین حل و فصل منازعات است که در قالب نهادهای مختلف ظهور و بروز پیدا کرده است. با بررسی مبانی اعتقاد و عرفی ایران، تقارن و همانندی ویژه‌ای بین آموزه‌های دینی و آداب و رسوم کهن ایرانی و مبانی نهاد میانجی‌گری دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که در توصیه‌های دینی، اصطلاحاتی از قبیل شفاعت و وساطت که دارای معانی مشابه میانجی‌گری است، مورد تأکید قرار گرفته است. در نوشتار حاضر ضمن تبیین مفهوم میانجی‌گری، چگونگی استفاده از این ابزار در قالب گزارش مورد شرح داده می‌شود.

پس از یک دوره سلطه نسبتاً انحصاری حقوق، خصوصاً در قلمرو پاسخ به پدیده‌های مجرمانه، امروزه در غرب گرایش روز افزونی به سوی خروج از سیستم عدالت کیفری، «قضای دایی» و «اجتماعی سازی» هر چه بیشتر پاسخ به جرم و انحراف بوجود آمده و در «همسایگی» حقوق کیفری، انواع جدید پاسخ‌های اجتماع به «موقعیت‌های مسئله دار» شکل گرفته است. از جمله «میانجی‌گری» سازمان یافته به عنوان «استراتژی نوین اجتماعی» مطرح و مورد توجه و عمل قرار گرفته است (<http://www.vijiran.com>).

برنامه‌های میانجی‌گری که از نیمه دهه هفتاد قرن بیستم نظام عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار داده است، نخستین بار در سال ۱۹۷۷ با ابتکار یکی از ماموران تعلیق مراقبتی در کشور کانادا جلوه گر شد و سپس به شهرهای دیگر کانادا و آمریکا منتقل شد. مأمور تعلیق مراقبتی پیش گفته، در یکی از شهرهای ایالت آنتاریو به قاضی

پیشنهاد کرد که دو جوان که به اتهام تخریب در قالب Vandalism محکوم شده بودند با بزه دیدگان روبه‌رو شوند و پس از موافقت قاضی، صدور حکم تعلیق مراقبتی موکول به خسارت‌زدایی و جلب رضایت خاطر بزه‌دیده شد. پس از این تجربه، میانجی‌گری مورد حمایت مالی دولت و حمایت معنوی کلیسا قرار گرفت و در اواخر دهه هفتاد، از کانادا به آمریکا و سپس به اروپا منتقل شد. میانجی‌گری که ریشه در اندیشه قضازدایی از رهگذر احاله اختلاف‌های ناشی از پدیده مجرمانه به میانجی‌گری و قبول نوعی کدخدا منشی در حل و فصل منازعات دارد، اهمیت و منزلت و نقشی غیر قابل انکار را در ترسیم سیاست عدالت کیفری مشارکتی ایفا کرده است (سماواتی، ۱۳۸۵).

رگه‌هایی از این تفکر را می‌توان در میان اقوام مختلف مشاهده کرد. اکنون در کشورهایی مانند نیوزیلند و کانادا و در بخش‌هایی از آمریکا، سنت‌ها و شیوه‌های ویژه اقوام مائوری و برخی از اقوام اسکیموها، لاکوتاها و داکوتاها از جمله میانجی‌گری در قالب نهادهای خاصی در نظام عدالت کیفری نهادینه شده است.

میانجی‌گری کیفری فرایندی سه جانبه است که فارغ از تشریفات معمول در فرایند کیفری، بر اساس توافق قبلی شاکی و بزه‌دیده با متهم یا بزه‌کار، با حضور شخص ثالثی به نام «میانجی‌گر یا میانجی» به منظور حل و فصل اختلاف‌ها و مسایل مختلف ناشی از ارتکاب جرم آغاز می‌شود. «میانجی‌گر» که عضوی از جامعه مدنی است، در فرایند میانجی‌گری سعی می‌کند بزه‌کار و بزه‌دیده را در ارتباط باهم قرار دهد و زمینه دیدار، گفت‌وگو و مذاکره و طرح مطالبات و خواسته‌های متقابل آن‌ها را فراهم کند؛ دیدگاه‌ها و مشکلات آن‌ها را به زبان دیگری برای آن‌ها بازگو و شفاف

نماید. و بدین‌سان به آن‌ها کمک کند تا مکنونات قلبی خود را بیان کرده و تسلی روحی پیدا کنند؛ خسارات مادی و عاطفی و روانی بزه‌دیده ترمیم شود؛ تکالیف و تعهدات بزه‌کار نسبت به بزه‌دیده، جامعه و خود در آینده مشخص شود و میزان مسئولیت‌های طرفین در وقوع جرم تعیین شود. بنابراین در فرایند میانجی‌گری کیفری، بزه‌دیده و بزه‌کار طی جلسات متعدد، با دیدار و گفت‌وگوی مستقیم یا در صورت لزوم غیرمستقیم، به یک راه حل مرضی‌الطرفینی در مورد اختلاف کیفری خود دست می‌یابند؛ بدون این که میانجی نظریا رأی خود را به آن‌ها تحمیل کند. (نجفی ایرند آبادی، ۱۳۸۲). لیکن قریب به سه دهه است که با افول نظام عدالت کیفری سنتی و ظهور مکتب عدالت ترمیمی، فصل نویینی از مداخلات جامعه محلی و نقش بخشی به این نهاد در روند اجرای عدالت گشوده شده است و افراد جامعه محلی که نهایتاً در حد شاهد یا مجری حکم در اجرای عدالت مداخله داشته‌اند، امروزه در لوای روش‌هایی هم چون میانجی‌گری، فرصت حضور در کانون اصلی اجرای عدالت را پیدا کرده‌اند.

فرایند میانجی‌گری معمولاً به دو روش مستقیم (Direct Mediation) و غیرمستقیم (Indirect Mediation) انجام می‌پذیرد. در روش مستقیم، بزه‌دیده و بزه‌کار بی‌واسطه پای میز مذاکره می‌نشینند و باهم مذاکره می‌کنند و میانجی نیز مذاکرات را اداره می‌نماید، اما بعضاً اوضاع و احوال پرونده و شرایط موجود و جرم ارتكابی به نحوی است که امکان رو در رویی طرفین وجود ندارد و این امر ممکن است باعث ایجاد تشنج و وخیم‌تر شدن اوضاع شود. مانند دختری که مورد تجاوز به عنف واقع شده است یا خانواده‌ای که فرزندشان به طرز فجیعی به قتل رسیده است. در چنین مواردی از روش میانجی‌گری غیرمستقیم استفاده می‌شود. در این روش، میانجی با هر یک از طرفین به طور جداگانه مذاکره کرده و نظرات اطراف دعوی را به هم انتقال می‌دهد و بعضاً نیز بزه‌دیده و بزه‌کار از طریق وسایلی از قبیل تلفن و نامه مذاکره می‌کنند (طالع زاری، ۱۳۸۹).

پیدااست که وجود و موفقیت راه حل‌های غیر قضایی برای فصل دعاوی از یکسو و اصلاح منحرفین و مجرمین از سوی دیگر مستلزم وجود زمینه‌های مناسب آموزشی و پرورشی است.

در یک نظام اسلامی، از یک سو، باتوجه به انسجام و تماس موجود بین افراد جامعه، که از آن به اخوت ایمانی یاد می‌شود، زمینه مناسبی برای حل تعارضات و تراحمات از طرق غیر قضایی وجود دارد. بطوریکه میانجی‌گری شخص ثالث بین اطراف دعوی به منظور حل اختلاف و رفع دعوی بدون توسل به طرق قانونی و قضایی رسیدگی، بسیار مورد توجه و توصیه شارع مقدس اسلام بوده است. این قلمرو شامل بخش اعظم دعاوی حقوقی (مدنی) و آن دسته از

دعاوی کیفری می باشد که جنبه خصوصی (حق الناسی) آن غالب و تعقیب و مجازات مجرم منوط به اراده و مطالبه قربانی یا اولیاء دم، دانسته شده است (جرائم قابل گذشت).

این گونه میانجی گری یا به ابتکار شخص مینجی و صرفاً به صورت دخالت و کوشش مصلحانه به منظور نزدیک کردن مواضع طرفین به یکدیگر و ایجاد سازش بین آنها به عمل می آید، یا با تعیین شخص ثالثی توسط دادگاه یا با تراضی طرفین به دخالت یک یا چند

نفر به منظور حل اختلاف و ایجاد سازش محقق می شود. صورت نخست، تحت عنوان (اصلاح ذات البین) در آموزش های اخلاقی و حقوقی اسلامی مورد توجه و تایید قرار گرفته است. شکل دوم را نیز می توان در قالب (حکمت) یا داوری که در حقوق اسلامی مطرح است بررسی نمود.

مورد

در پاییز سال ۱۳۸۲ در یکی از روستاهای غرب کشور منازعه ای بین دو پسر عمو که همسایه دیوار به دیوار بودند بوقوع پیوست که این منازعه مقدمه ای شد برای کینه توزی و شبهات بعدی زیرا یکی از طرفین دعوی که شب هنگام با استفاده از تاریکی شب و عدم اطلاع از حضور پسر عمو برای مراقبت از خرمن و احتمال وجود سارق در محل اقدام به شلیک چند گلوله می نماید که منجر به قتل پسر عمو می شود. ضارب جسد پسر عمو را بر ماشین سوار و به پاسگاه محلی می برد و اعلام می نماید که "به دلیل تاریکی شب و ندیدن پسر عمویم فکر کردم دزد به خرمن ما زده و برای دفاع از اموال من چند گلوله شلیک نمودم که به پسر عمویم اصابت نموده". خانواده مقتول با تاکید بر نزاع مقدماتی پیش آمده و اصرار بر اطلاع قاتل از حضور مقتول بر سر خرمن این اقدام را عمدی دانسته و درخواست قصاص قاتل را داشتند. در این بین وساطت بزرگان و افراد ذی نفوذ محلی به دلیل عدم مهارت های لازم برای حل و فصل موضوع بی نتیجه ماند. در نهایت دادگاه رای به شبه عمد بودن قتل و پرداخت یک دیه کامل و جلب رضایت اولیاء دم را صادر نمود. از طرفی خانواده قاتل توان پرداخت مبلغ دیه را نداشتند لذا قاتل مدت مدیدی را (بیش از ۵ سال) در زندان سپری نمود. خانواده وی نیز مجبور به ترک منزل و املاک خود و متحمل ضرر و زیان فراوان شده بودند به طوری که ادامه این وضعیت طرفین دعوی را خسته و به استیصال رسانده بود. پرونده زمانی به میانجی ارجاع شد که وساطت و پا در میانی مکرر بزرگان ایل و قوم موثر نبوده و موضوع فیصله نیافته بود، عزم و تلاش خانواده مقتول برای اثبات عمدی بودن قتل و اجرای حکم قصاص بی نتیجه مانده بود، خانواده قاتل نیز در وضعیت استیصال و آوارگی غیر قابل تحمل بسر می بردند و قاتل نیز به دلیل اعسار از پرداخت دیه اقامت در زندان را تا یوم الاداء پذیرفته بود.

روش درمان و حل مشکل

در این مورد خاص برای حل مشکل از روش میانجی گری استفاده شد. فرایند میانجی گری معمولاً طی چهار مرحله ارجاع پرونده، اقدامات پیش از میانجی گری (آماده سازی)، میانجی گری و گفت و گو و پی گیری و تثبیت نتایج حاصله از میانجی گری انجام می شود. در ادامه جزئیات مربوط به این مراحل به منظور حل مناقشه میان دو خانواده آورده شده است:

الف - مرحله ارجاع پرونده: فرایند میانجی گری با ارجاع پرونده به مرجع میانجی گر آغاز می شود. ارجاع می تواند از طریق مسئولان سیستم های حقوقی و یا از طریق مراجع غیررسمی انجام شود. در مورد فوق، ارجاع از طریق مراجع غیررسمی انجام شد. به این ترتیب که تعدادی از افراد مطلع و ذی نفوذ محلی از میانجی درخواست کردند که برای حل و فصل مشکل اقدام نماید.

ب- مرحله اقدامات پیش از میانجی گری: مرحله آماده سازی در موفقیت میانجی گری از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این مرحله میانجی در مورد هویت طرفین پرونده، نوع اختلاف آنها و مسائل و جزئیات مربوط به پرونده اطلاعات دقیقی را جمع آوری نمود. مطالعه اسناد موجود و گفتگو با افراد مطلع مهمترین روش های جمع آوری اطلاعات در این مرحله بودند. سپس با هدف جلب اعتماد طرفین و آماده سازی آنها برای مذاکره در جلسات مشترک گفتگوهای جداگانه با بزه دیده و بزه کار انجام شد. در گفتگوهای مقدماتی همه اعضای خانواده طرفین مورد توجه

قرار گرفتند اما ترغیب افراد ذی نفوذ در خانواده طرفین که مخالفت احتمالی آن‌ها با حل و فصل مشکل می‌توانست موجب متوقف شدن فرایند میانجی‌گری شود (همانطور که پیش از آن نیز روی داده بود) با اولویت مد نظر قرار گرفت. به این منظور میانجی گفتگوهای بیشتری را با آن‌ها ترتیب داد و آن‌ها را به حمایت از فرایند میانجی‌گری ترغیب کرد.

در مذاکرات مقدماتی به ترتیب از بزه‌کار و سپس بزه‌دیده جهت حضور در این فرایند دعوت به عمل آمد؛ چرا که اگر ابتدا رضایت بزه‌دیده جلب می‌شد و سپس بزه‌کار جهت حضور موافقت نمی‌کرد، آزرده شدن بزه‌دیده می‌توانست موجب پیچیده‌تر شدن و یا حتی ناممکن شدن حل و فصل مشکل شود.

بخشی از این گفتگوها به صورت تلفنی انجام شد چرا که رو در رویی میانجی و طرفین اختلاف و دادن اطلاعات کامل به آن‌ها، می‌توانست انگیزه حضور در گفت و گوها را برای آنان به حداقل رسانیده و آن‌ها را از حضور در جلسات مشترک منصرف کند. در این مرحله میانجی با ارائه توضیحات لازم در مورد فرایند میانجی‌گری و نحوه و کیفیت انجام آن، برداشتی مبتنی بر واقعیت از این فرایند برای اطراف نزاع به وجود آورد و تلاش کرد فضایی را ایجاد کند تا طرفین با اختیار و آگاهی لازم نسبت به آن چه در این فرایند اتفاق خواهد افتاد، حضور در چنین فضایی را انتخاب نمایند. در این میانجی‌گری ۱۰ مذاکره با قاتل و خانواده‌اش و ۱۵ مذاکره با خانواده مقتول در این مرحله انجام گرفت.

ج- مرحله میانجی‌گری و گفت و گو:

۱- برگزاری جلسه مشترک: پس از آنکه میانجی از آماده بودن طرفین اطمینان حاصل کرد، با ترتیب دادن جلسه‌ای این امکان را فراهم کرد که بزه‌دیده و بزه‌کار بدون واسطه، با حضور میانجی و دوستان و حامیان خود در جلسه، با یکدیگر گفت و گو کرده و احساس و نظر خود را در ارتباط با جرم به وقوع پیوسته بیان کنند. در این جلسه که در فروردین ۱۳۸۷ مهر ماه خاتمه در محل روستا محل اقامت خانواده‌ها برگزار شد، ۱۲ نفر شرکت داشتند (۸ نفر از طرف بزه‌دیده و ۴ نفر از طرف بزه‌کار). به این نکته توجه شده بود که تعداد شرکت کنندگان از حد مشخصی بیشتر نشود تا طرفین در جلسه فرصت کافی برای گفتگو داشته باشند. در ابتدای جلسه، میانجی ضمن معرفی خود، در رابطه با هدف و نحوه برگزاری جلسه توضیحاتی را برای حاضرین بیان کرد. با طرح چند سؤال از بزه‌دید (در زمان ارتکاب جرم چه اتفاقی افتاد؟ ... وقتی متوجه شدید فرزندان از دنیا رفته است، چه کردید؟ ... اکنون چه احساسی دارید؟ و ...) گفتگو در مورد موضوع را آغاز کرد. سپس همان سئوالات از بزه‌کار پرسیده شد. در ادامه میانجی از سایر حضار درخواست

کرد اگر مطلبی را در پاسخ به این سؤال‌ها دارند، بیان کنند. پس از جمع‌بندی و ارائه بازخورد به حاضرین، ضمن مرور مجدد دلیل برگزاری جلسه و تأکید بر تلاش و حسن نیت همه در خصوص حل و فصل مشکل نظر طرفین را در مورد خسارات وارده به بزه‌دیده و نحوه جبران آن جویا شد و به طرفین کمک کرد به تصمیم قابل قبول برای هر دو طرف دست یابند. طرف بزه‌دیده در ابتدا بر اخذ دیه و نفی بلد تأکید داشت. میانجی با مرور دشواری‌هایی که در طول سال‌های گذشته هر دو طرف تجربه کرده بودند از طرف بزه‌دیده خواست از نفی بلد صرف‌نظر کنند. میانجی توافقات نهایی را در پایان جلسه مکتوب کرد و به امضای اطراف نزاع و سایر حضار رسانید و به هر یک از بزه‌دیده و بزه‌کار یک نسخه تحویل داد.

۲- حمایت‌یابی برای اجرای تعهدات بزه‌کار: از آنجایی که یکی از دلایل عدم خاتمه مناقشه میان طرفین در این مورد عدم توان مالی خانواده قاتل برای پرداخت دیه بود، میانجی با حمایت‌یابی به خانواده قاتل کمک کرد بخشی از مبلغ دیه را تهیه کنند. در عین حال با حمایت‌یابی میانجی از مراجع رسمی، بخش دیگر دیه نیز از محل صندوق دیات دادگستری تامین گردید. به این ترتیب پرونده در سیستم قضایی مختوم و حکم آزادی قاتل صادر شد.

د- مرحله پی‌گیری نتایج حاصل از

میانجی‌گری: در این مرحله که از آن به عنوان ضمانت اجرای فرایند میانجی‌گری نام می‌برند، میانجی تلاش کرد اعتبار این مداخله و توافقاتی صورت گرفته را نزد طرفین دعوا و توفیق این مذاکرات را در نظر جامعه تثبیت نماید. میانجی با دقت چگونگی اجرای توافقات را دنبال می‌کرد و در صورتی که در اجرا و یا تفسیر مفاد

دعوی و حفظ نقش مصلحانه از جمله ملاحظات اخلاقی بودند که در فرایند میانجی‌گری مورد توجه قرار گرفت. به نظر می‌رسد یکی از دلایل عدم توفیق بزرگان و سران محلی در حل و فصل مناقشه ناشی از برخورد طرفین دعوی و متهم نمودن آنان به جانبداری و عدم بی‌طرفی بود. از این رو در برخی موارد که میانجی با بی‌احترامی‌هایی از سوی طرفین دعوی مواجه می‌شد، با سعه صدر در صدد جلب اعتماد آنان بر می‌آمد. از سوی دیگر اختیاری و داوطلبانه بودن ورود بزه دیده و بزه کار به فرایند میانجی‌گری و ادامه داوطلبانه آن تا پایان فرایند میانجی‌گری مورد توجه قرار داشت.

توافقات ابهام خاصی وجود داشت، ضمن گفتگو با بزه دیده و بزه کار به آن‌ها کمک می‌کرد نسبت به حل آن اقدام و توافقات مذکور را در کمترین زمان ممکن عملی کنند.

برگزاری مراسم خون صلح برای حصول اطمینان از پایبند بودن طرفین به تعهدات اقدام تعیین کننده‌ای بود که برای تثبیت دستاوردهای میانجی‌گری انجام شد. مراسم خون صلح به دلیل اینکه در فرهنگ مردم غرب ایران پذیرفته شده و معتبر است، بهترین انتخاب تلقی می‌شد. این مراسم که بیش از ۵۰ نفر در آن شرکت کرده بودند، با هدف افزایش فشار اجتماعی برای پایبندی طرفین به تعهدات برگزار شد. میانجی با اجرای دقیق مراحل قبلی اطمینان حاصل کرده بود که برگزاری جلسه خون صلح به مناقشه جدید منتهی نخواهد شد.

جلب اعتماد طرفین دعوی، انتقال نظرات و سخنان طرفین دعوی در قالب الفاظ و جملات فنی و تاثیرگذار، پرهیز از سخن چینی و یا نقل به مضمون برخی بیانات، اثبات بی‌طرفی نسبت به طرفین

بحث و نتیجه گیری

یکی از انتقادات اساسی وارد بر کلیت نظام عدالت کیفری، گرانی و هزینه‌بر بودن آن است. منتقدین معتقدند که این نظام در عین انجام سرمایه‌گذاری‌های کلان مالی و انسانی، در تحقق عدالت و حل معمای بزه کاری به توفیق چندانی دست نیافته است. شاید بتوان یکی از علل این ناکامی را هجمه پرونده‌هایی دانست که سنگینی آن‌ها فرصت هرگونه ابتکار عملی را از نظام کیفری و قضایی سلب کرده است. جریان میانجی‌گری و امکان احاله بخشی از پرونده‌ها به این فرایند، افزون بر این که بار دستگاه عدالت کیفری را سبک‌تر و جریان اجرای عدالت را تسهیل می‌کند، هزینه اجرای عدالت را تقلیل داده و مدل عدالت کیفری را کارآمدتر می‌نماید و مددکاران اجتماعی می‌توانند در بسیاری موارد به عنوان میانجی اقدامات مؤثری انجام دهند.

فرآیند میانجی‌گری کیفری، از ابزارهای سرکوب‌گری که باعث گسست و اختلال بیشتر در جامعه می‌شود، بهره‌ای نمی‌برد و با تمسک به روش‌های غیرکیفری از ایجاد این اختلالات و پس آمدهای ناشی از آن جلوگیری می‌کند و نهایتاً این فرایند باید با تقابل بزه کار و جامعه محلی و اخذ تضمین‌های لازم از بزه کار در جهت جلوگیری از وقوع جرم، جامعه محلی را از ترس ارتکاب مجدد بزه توسط مرتکب رهایی داده و آرامش را به پیکره اجتماع بازگرداند. در نظام حقوقی و آموزشی ما که ملهم از اسلام است، زمینه گسترده‌ای برای کاربرد میانجی‌گری، به عنوان یک وسیله غیرقضایی حل تعارضات وجود دارد. لذا شایسته است قانونگذار اسلامی با بذل توجه به (میانجی‌گری بین مجرم و حاکم) در جرایم قابل عفو توسط حاکم گام مؤثری در جهت اجتماعی سازی حل تعارضات و پاسخ به نقض هنجارها بردارد.

هدف از مداخله میانجی در یک موضوع، ختم دادرسی و فیصله موضوع مورد اختلاف است که در این مورد خاص نیز با دریافت دیه توسط خانواده مقتول، آزادی قاتل از زندان و بازگشت به املاک، بازگشت به وضعیت پیش از محاصمه محقق گردید.

اگرچه میانجی‌گری در مددکاری اجتماعی اکنون به عنوان یکی از رویکردهای حل مناقشه معرفی و برای آن فرایند و تکنیک‌های ویژه‌ای معرفی شده است، باید در نظر داشت که آشنایی به ویژگی‌های فرهنگی و استفاده از سازوکارهایی که برای حل مناقشه و میانجی‌گری در هر فرهنگی وجود دارد، می‌تواند در موارد میانجی‌گری بسیار تعیین کننده باشد. در مورد گزارش شده در این مقاله آشنایی میانجی با سازوکارهای بومی حل مناقشه در غرب کشور، بخوبی موفق

است. بزه کار می تواند در باز گرداندن اعتماد به نفس از دست رفته بزه دیده و جلوگیری از بزه دیدگی مجدد وی، نقش اساسی را ایفا کند. مهم ترین هدف میانجی گری جبران خسارت بزه دیده است. در این نشست ها، سعی بر آن است که با تعیین دقیق میزان خسارات وارده به بزه دیده، که شامل خسارات مادی و معنوی است در کمترین زمان و به بهترین شکل خسارات وارد به وی جبران شود.

جان برایت ویت در سال ۱۹۸۹ نظریه سرشماری باز اجتماعی کننده را مطرح کرده و عقیده دارد افراد مورد قبول بزه کار از قبیل دوستان، خانواده و ریش سفیدان باید به نحوی که به شخصیت بزه کار خدشه ای وارد نشود، وی را شرمند کرده و به نحوی مثبت، او را بیدار کنند تا به جامعه باز گردد (به نقل از طالع زاری، ۱۳۹۲). تحقق این امر در فرایند میانجی گری تسهیل می شود. جریان میانجی گری می تواند فضای مناسبی را ایجاد کند تا طی آن، بزه کار در جریان مشکلات و خساراتی که از فعل مجرمانه وی به دوش بزه دیده، اطرافیان وی و جامعه محلی بار شده، قرار گیرد و نتایج و عواقب وخامت بار عمل خود را مشاهده کند. میانجی گری باید احساس مسئولیت بزه کار را در قبال بزه دیده برانگیزد و با ایجاد آگاهی، وی را ترغیب به جبران خسارت و حل مشکلات بزه دیده و عذرخواهی از او کند.

این فرآیند می تواند برای بزه کار نیز مزایایی به دنبال داشته باشد. از جمله این که وی را در معرض اعلام گذشت از ناحیه شاکی قرار داده و با توافقات صورت گرفته و نظر مساعد بزه دیده و مجریان میانجی گری، ضمانت اجرای کیفری را محدود و مضیق کند.

میانجی باید فضای مشارکتی را جهت مداخله جامعه محلی در مذاکرات سازشی و اجرای عدالت فراهم کرده، احساس مشارکت را در این نهاد ایجاد کند. و جهت ترمیم گسست های اجتماعی ناشی از جرم، ترتیبی اتخاذ نماید.

شد ضمن خاتمه فرایند دادرسی، با برگزار کردن مراسم خون صلح و مشارکت دادن افراد محلی نسبت به تثبیت نتایج بدست آمده در فرایند میانجی گری اقدام کند.

در موارد غیر قتل در این باره گفته اند: حقوق قربانیان جرایم، یکی از مهم ترین موضوعات آیین دادرسی کیفری جدید است و حال آن که تا این اواخر برای بزه دیده در محاکمه کیفری به عنوان مدعی خصوصی حق ناچیزی شناخته می شد، اما امروزه بزه دیده در حقوق کیفری موقعیتی ممتاز دارد؛ تا بدان حد که سخن از یک سیاست جنایی مبتنی بر حقوق بزه دیدگان است (گسن، ۱۳۷۰).

این تحولات در نقش بزه دیده در فرآیند رسیدگی کیفری سبب شده است که امروزه حقوق دانان برای بزه دیده در رسیدگی های کیفری نقش ویژه ای در نظر گیرند. بزه دیده بر اثر ارتکاب جرم مورد آسیب شدید مادی و معنوی قرار گرفته است و گاه رو به رو شدن و صحبت کردن با متهم برای بزه دیده، مهم تر و ارزشمندتر از اجرای مجازات است. بنابراین یکی از اهداف میانجی گری، تخلیه عاطفی و روانی بزه دیده است و در ادامه، حمایت از وی همدردی از ناحیه همراهان حاضر در جلسه

منابع

- Gasen, Raymond. (1991). Applied Criminology. Translation: Mahdi Keinia, Tehran: Allame Tabatabaei University.
- Gehm, John R. 1998. "Victim-Offender Mediation Programs: An Exploration of Practice and Theoretical Frameworks." Western Criminology Review 1 (1). Available at: <http://wcr.sonoma.edu/v1n1/gehm.html>.
- Mediator's Role in Conflict Resolution, Available at: <http://www.vijiran.com>
- Najafi Abrand Abadi, Ali Hossein and Hashem Beigi, Hamid. (1998). Encyclopedia of Criminology. Tehran: Shahid Beheshti University.
- Samavati Pirouz, Amir. (2006). Restorative Justice: Criminal Justice Gradually Balancing or its Changing. Tehran: Nega-e Bineh.
- Sabbaghian, Ali. What is Mediation? Available at: <http://www.hamshahrionline.ir/details/21398>
- Tale Zari, Ali. (2013). Mediation; An Old Conflict Resolution Mechanism. <http://www.ettelaat.com/etiran/?p=44846>
- Tale Zari, Ali. (2010). Restorative Justice: New Strategy, Renaissance in Criminal Justice. Journal of Isfahan Lawyers. 48 and 49.
- Vaezi, Mahmood. (2005). Theoretical Bases of International Mediation. <http://www.csr.ir/departments.aspx?abtid=07&depid=44&semid=866>